



در انتخابات به‌عنوان راهی برای تعیین حق سرنوشت، از بی‌اهمیت‌ترین موضوعات برای مردم است. روزنامه اصولگرای «وطن امروز» نیز در آخرین روزهای بهمن‌ماه در گزارشی به بررسی نظرسنجی صداوسیما در زمینه انتخابات پرداخت. براساس این گزارش «نظرسنجی صداوسیما که اوایل بهمن انجام شده است می‌گوید ۵۲ درصد از شرکت‌کنندگان از زمان برگزاری انتخابات اطلاع نداشتند.» هرچند گزارش این رسانه نوک پیکان را به سمت رسانه‌های جمعی فعال بر بستر وب نشانه گرفته است که هنوز موفق نبوده‌اند روند انتخابات را از حالت ثابت و خطی آن خارج کرده و کنش کاربران با فضای اینترنت را به سمت مسئله انتخابات سوق دهند.

### ▼ سقوط مشارکت ادامه می‌یابد؟

در انتخابات مجلس یازدهم با مشارکت ۴۲/۵۷ درصدی شهروندان، کاهش قابل ملاحظه‌ای در حضور انتخاباتی مردم به ثبت رسید. این نخستین بار در تاریخ پس از انقلاب بود که میزان مشارکت مردم ایران در یک انتخابات به کمتر از ۵۰ درصد می‌رسید. مهمترین دلایلی که برای این کاهش مطرح بود، رداصلحیت‌های گسترده افراد و چهره‌های سیاسی وابسته به جریان به‌ویژه اصلاح طلب و تاثیر حوادث متعدد نیمه دوم سال ۱۳۹۸ بر فضای کلی ایران بود. پس از سهمیه‌بندی بزرین که منجر به حوادث تلخ آبان ۹۸ شد، سقوط هوایمایی اوکراینی و نحوه اطلاع‌رسانی مقامات در خصوص علت این حادثه، موضع‌گیری مقامات به‌ویژه نمایندگان مجلس و تاثیر موضع‌گیری آنها بر اقدامات بعدی مسببین این حادثه مهمترین دلایلی بودند که برای این کاهش تاریخی مشارکت اعلام شدند. در ادامه، این کاهش مشارکت به انتخابات ریاست جمهوری نیز رسید و در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ با مشارکت ۴۸/۸ درصدی، یک تاریخ‌سازی دیگر در زمینه شرکت در انتخابات رقم خورد. پس از آن اعتراضات سال ۱۴۰۱ در پی مرگ مهسا امینی و نحوه مواجهه با معترضین و پاسخگویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم در کنار افول قابل‌ملاحظه وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و مشکلات عدیده معیشتی میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس دوازدهم در سال ۱۴۰۲ را با نگرانی از بحران کاهش مشارکت مواجه کرد و مسئله پیش‌بینی انتخابات را بنا بر ضرورت مشارکت در فضای سیاسی و اقتدار در فضای بین‌المللی به میان آورد. اما نباید فراموش کرد که بنا بر گسترده‌گی کشور و تنوع فرهنگ و سواد سیاسی، رفتار سیاسی و مشارکت شهروندان در نقاط مختلف کشور مشابه با یکدیگر نیست و نخواهد بود.

### ▼ گزارش یک پرونده

از همین روز روزنامه هم‌میهن در نخستین ماه‌های سال جاری، با توجه به قرار گرفتن در سال برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، فضای سیاسی-انتخاباتی استان‌های کشور را در قالب پرونده استانی مورد تحلیل و بررسی قرار داد. این سلسله گزارش‌ها با هدف آگاهی از وضعیت سیاسی استان‌ها، فضای

دارند و اینها در عقب‌نشینی مردم نسبت به حق انتخاب تأثیر دارد. هرچه می‌گذرد شفافیت کم‌رنگ‌تر می‌شود و هیچ‌کس توضیحی درباره موضوعات مختلف نمی‌دهد و وقتی از تأثیر عملکرد بزرگ جامعه صحبت می‌کنیم همین موضوعات نیز مدنظر مردم می‌گیرد. در شهرستان‌ها مسئله قومی‌گرایی و قبیله‌گرایی البته مطرح می‌شود و خود تأثیری بر مشارکت دارد و باعث می‌شود که در انتخابات فعالانه‌تر شرکت کنند، اما برای مثال در تهران و شهرهای بزرگ چگونه ممکن است نماینده‌ای که در بهترین نقطه تهران زندگی می‌کند نتواند از حقوق محرومان و جنوب‌شهری‌ها دفاع کند؟ آیا می‌تواند توضیحی به وضع موجود و خارج شدن از فقری که گریبان مردم را گرفته به‌عنوان نماینده آنها بدهند؟ مسئله این است که نماینده‌ها مردم و توسعه همه‌جانبه را فراموش کرده‌اند، اساساً مجلس نقش خود را فراموش کرده است. در مجلس قوانین براساس وضع و برای اصلاح وضع موجود تصویب می‌شود؛ قوانینی که دولت باید اجرا کند و قوه قضائیه باید بر اجرای آن نظارت داشته باشد و این یعنی اینکه، مجلس در رأس امور باشد.

«انتخابات و مشارکت مردم در انتخاب نماینده‌هایی که قانون‌گذاری می‌کنند یکی از مترقی‌ترین اتفاقاتی است که در هر کشور با محرومیت دموکراسی انجام می‌شود. در کشور ما نیز انتخابات برگزار می‌شود اما مجموعه اتفاقاتی که رخ داده منجر به بیزش مشارکت مردم در انتخابات‌ها شده است. برای اینکه مردم متقاعد شوند در انتخابات شرکت کنند و جایگاه رای مردم به جایگاه واقعی خود بازگردد، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

اول موضوع اعتمادسازی باید احیا شود. مردم باید اعتماد کنند و وقتی می‌گویند انتخابات، یعنی فردی را انتخاب می‌کنید که به او اعتماد دارید. این اعتماد براساس عملکردهای قبلی، توانایی‌ها و در یک کلام کارنامه او است که ایجاد می‌شود. برای مردم عملکرد مهم است. اینکه بگویند طرفدار چه مرانم‌های است، برای مردم چه اهمیتی دارد؟ اینها موارد کلی است و باید یک نماینده اینگونه به مردم عملکرد خود را القا کند که به من اعتماد کنید و این اعتماد براساس عملکردها و برنامه‌هایی که ارائه می‌کنند، به وجود می‌آید.

سیاسی و انتخاباتی استان‌ها، بررسی رفتار انتخاباتی مردم، پیش‌بینی مشارکت مردم در انتخابات با توجه به شرایط موجود در کشور و مقایسه با انتخابات مجلس در دوره گذشته انجام شد. سه سوال اصلی و محوری، مبنای مصاحبه‌ها را در تمامی استان‌ها و با گذر زمان تشکیل داد که عبارت بودند از: «پیش‌بینی شما از حضور مردم استان در انتخابات آتی مجلس چیست؟»، «فضای سیاسی و انتخاباتی استان چگونه است؟» و «ردصلاحت‌ها و نارضایتی‌های مردم چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه اعتراضات مدنی چه تأثیری بر مشارکت یا عدم مشارکت مردم خواهد داشت؟». بررسی فضای سیاسی استان‌ها با طرح پرسش‌های ذکرشده در بالا از فعالان سیاسی، نمایندگان احزاب اصولگرا و اصلاح‌طلب، چهره‌های مستقل و همچنین نمایندگان ادوار گذشته مجلس در استان‌ها صورت گرفت. با بیش از ۱۰۰ نفر از فعالان سیاسی از احزاب کارگزاران، اتحاد ملت، ندای ایرانیان، مؤتلفه اسلامی و مستقلین مصاحبه شد و از فعالان سیاسی محلی، رسانه‌های محلی و مقالات پژوهشی به منظور تهیه گزارش‌ها استفاده شد.

### ▼ پیش‌بینی مشارکت

در نخستین ماه‌های تهیه گزارش، پیش‌بینی‌ها و اظهارنظرها درباره فضای سیاسی استان‌ها و پیش‌بینی میزان مشارکت مردم در انتخابات با این گزاره که «هنوز به زمان برگزاری انتخابات نزدیک نشده‌ایم» با احتیاط صورت می‌گرفت. اصولگراها معتقد بودند که مردم استان آنها ولایت‌مدار و و پایبند به شهادا و اصل نظام هستند، هر چند که نارضایتی‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی مطرح است که با درایت مسئولان نظام حل خواهد شد و مردم مشارکت خواهند کرد. در جریان اصلاح طلب اما اعتقاد اکثریت بر این بود که فضای انتخابات سرد و مشارکت از دوره قبل نیز کمتر خواهد بود. مسئله‌ای که تا زمان تهیه آخرین گزارش استانی به قوت خود باقی ماند و با وجود نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات، تغییرات چندانی در اظهارنظرها به وجود نیاورد.

### ▼ فعالیت احزاب

موضوع مهم دیگر فعالیت جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح طلب، اصولگرا و میانه‌رو در استان‌ها بود، بررسی‌ای که در آن مجموعه گزارش از همان استان نخست تا آخرین استان شده، طی این ۹ ماه حاکی از برنامه‌ریزی انتخاباتی جریان‌های اصولگرا و عدم اتفاق نظر جریان‌های اصلاح طلب در مشارکت در عرصه انتخابات بود. در حالی که مسئله اصولگراها در استان‌ها بر سر ارائه لیست واحد بود، در جبهه اصلاح طلب خبری از برگزاری نشست‌های استانی نبود. اصلاح طلب‌ها معتقد بودند که هیچ جریانی نمی‌تواند تغییر معجزه‌آسایی ایجاد کند و نگرانی بجایی از ردصلاحت‌ها داشتند. این گروه ابتدا ترجیح می‌دادند که فضای ثبت‌نام در انتخابات را بسنجند؛ فضایی که به عقیده اصلاح طلب‌ها با قانون جدید ثبت‌نام دومر حله‌ای آب پاکی را روی دست‌ان آنها ریخت. بسیاری از اصلاح طلب‌ها با توجه به ردصلاحت‌های گسترده دوره قبل معتقد بودند

که ثبت‌نام در انتخابات فایده‌ای ندارد و باز هم با نظارت استصوابی روبه‌رو خواهند شد؛ احتمالی که چندان اشتباه از آب درنیامد؛ پس از اعلام اسامی تأییدصلاحت‌شدگان اظهارنظرهایی درباره تعداد اصلاح طلبانی که سعی کردند نیروهای میانه‌رو را نیز در خود بپذیرند، صورت گرفت. در مورد چهره‌های مشهور به اصلاح طلب و میانه‌رویی که تأییدصلاحت شدند، دو نقل قول مطرح شد؛ یکی بخشی از اصلاح طلبان که نگاهی حداکثری داشته و هر کسی را که برچسب میانه‌رویی و اصلاح طلبی بر او می‌توان زد را در میان کاندیداهای خود می‌دانند؛ جمعیت آنها در کل کشور ۱۱۰ نفر از میان ۱۵ هزار تأییدصلاحت‌شده عنوان شده‌اند و نقل قول حداقلی که شهرت اصلاح طلبی را معیار قرار دادند، این جمعیت را ۳۵ نفر در کشور عنوان کرده‌اند. افرادی که مهر تأیید را از هیئت‌های اجرایی و نظارت دریافت کردند. همانگونه که از فضای استان‌ها معلوم بود، در نهایت نیز اصلاح طلبان لیست چندانی ارائه ندادند.

### ▼ رویکرد اقوام و قبیله‌ها

تأثیر عوامل قومی و قبیله‌ای موضوع مورد اشاره دیگر در این پرونده بود، چراکه فضای مشارکت مردم در بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها را اقوام، طوایف و قبیله‌ها تعیین می‌کنند. اظهارنظر درباره این موضوع حدی و آستانه‌ای بود، در برخی از استان‌ها در بین همه فعالان سیاسی این اتفاق نظر وجود داشت که دلیل مشارکت مردم از فضای سیاسی دور است و بیشتر تحت تأثیر قومیت‌هاست. مردم در انتخابات شرکت خواهند کرد، هر چند که در برخی از استان‌ها مشکلات اقتصادی و معیشتی به قومیت‌ها و طوایف نیز نفوذ کرد و فعالان سیاسی معتقد بودند حنای ریش سفیدان نیز رنگی ندارد. شاید باید گفت استان‌های نزدیک به مرکز یا هم‌رویکرد با مرکز کمتر درگیر این موضوع هستند اما عملاً بیشتر استان‌ها بخشی از حوزه‌های انتخابی‌شان متأثر از تصمیمات قبیله‌ای و قومی است. بر همین اساس درباره کاهش مشارکت در چنین حوزه‌های انتخابی نمی‌توان با قطعیت صحبت کرد و در میان آنها احتمالاً چنین رویکردی را مشاهده نکنیم.

### ▼ مشارکت سیاسی از بین رفته است

انتظار همگانی بر این بود که با توجه به درخواست‌های مکرر مسئولان برای مشارکت مردم در انتخابات، حداقل شرایط لازم برای برآورده کردن این انتظار فراهم شود، اما تا به امروز که فقط ۳ روز تا انتخابات باقی مانده تلاشی برای افزایش امید مردم ایجاد نشد و تنها چند روز مانده به برگزاری انتخابات مجلس، اصلاح طلبان همچنان معتقد به سردی فضای انتخابات و اصولگراها با تأکید بر اینکه مشکلات اقتصادی وجود دارد، معتقد به حضور مردم در صحنه و نه یک مشارکت پرشور انتخاباتی هستند؛ به نظر می‌رسد که با کنار گذاشتن ملاحظات سیاسی همگان در این نظر مشترک هستند که مردم نشانه‌ای از میل به تغییر را در رفتارهای مسئولین و به تبع آن کاندیداهایی که تأیید صلاحیت شده‌اند، ندیده‌اند و چون پاسخگویی به خواسته‌های مردم اتفاق نمی‌افتد، مشارکت سیاسی نیز در تعلیق است.

### ▼ تکیه بر شعارها و شعارهای شعار

مهمترین مسئله در پیش‌بینی که البته به آن استناد نمی‌شود، موضوع نظرسنجی‌ها است. ما تأکید داریم که توسعه همه‌جانبه بسیار مهم است و بستر این توسعه پژوهش است. پژوهش، مسائل و مشکلات را مطرح می‌کند و در دل آن نظرسنجی‌ها انجام می‌شود که نظر مردم را به دست می‌آورد. مسئولیت این پژوهش‌ها نیز باید با رسانه‌های مستقل و بدون جانبداری باشد. در نظرسنجی بر مبنای شیوه‌های درست و علمی از مردم سوال می‌کنند و نمونه‌های هدفمند و مشخص آماری و پژوهشی تعریف و بررسی می‌شود و در واقع به مردم پهای واقعی می‌دهد. نظرسنجی یعنی اینکه دنبال مردم‌سالاری هستیم و نظر آن‌ها بسیار مهم است.



از طرفی به وضع موجود اعتراف کنند و بگویند که می‌دانیم شرایط موجود چیست و از طرفی شفاف‌سازی انجام دهند.

«در ۳۰ گزارشی که به بررسی شرایط سیاسی و انتخاباتی استان‌ها پرداختیم، اکثریت اصولگراها معتقد بودند که میزان مشارکت در انتخابات پیش رو از انتخابات قبلی کمتر خواهد بود و چوبسا بیشتر مردم حضور پیدا کنند و اکثریت اصلاح طلب‌ها معتقد بودند که فضا سرد است و مشارکت نزولی خواهد بود. چقدر می‌توان به نظر تشکیل‌ها و احزاب به‌عنوان پیش‌بینی درست و نماینده‌ی نظر مردم اعتماد کرد؟ با توجه به اینکه طی روزهایی که از زمان تبلیغات می‌گذرد تصاویری از رسانه‌ها منتشر می‌شود که نشان می‌دهد مردم در ستادهای انتخاباتی حضور پرشوری دارند.

قاعدتاً باید این موارد را با دلیل و برهان درباره مشارکت و یا عدم مشارکت مردم در انتخابات توضیح دهند. اینکه چند عکس و تصویر از ستادهای نشان داده شود که نمی‌شود اعتماد کرد و این شک را برمی‌انگیزد که قرار است انتخابات مهندسی شود. اگر مسئول بتوانند این حرف را بزنند که به این دلایل انتخابات پرشوری خواهیم داشت، قابل استناد است. در نقطه مقابل نیز عده‌ای می‌گویند به دلایلی مردم نسبت به انتخابات سرد هستند. ممکن است عده‌ای نیز بزرگنمایی کنند و این موضوع شاید متناسب با وضعیت آنها در حوزه‌های انتخابیه در هر دو گروه محتمل باشد. اگر بپذیریم هر یک از جریان‌های سیاسی بخشی از جامعه را نمایندگی می‌کنند، احتمالاً اظهارنظرشان برگرفته از وضعیت همین جمعیت است و با توجه به اینکه در بخشی از استان‌ها احزاب و تشکل‌های سیاسی جایگاه‌شان در جامعه مخدوش شده و یا به دلیل نگاه قومی و قبیله‌ای همسویی با آنها ندارند؛ احتمالاً نتوان نظر بخش عمده‌ای از آنها را به همه منطقه فعالیت‌شان تعمیم داد.

«اگر بخواهیم به پیش‌بینی‌ها استناد کنیم، باید نظرسنجی‌ها را مبنا قرار داد یا می‌شود به این اظهارنظرها اعتماد کرد؟

### سیاستمداران



### علت سخنرانی‌های سیاسی زاکانی

شائبه استفاده از امکانات شهرداری در انتخابات اولین بار نیست که مطرح می‌شود. در دوره شهرداری محمدباقر قالیباف اما این موضوع به دلیل حضور او در انتخابات ریاست جمهوری بیش از پیش مطرح شد و به دلیل نبود مستندات در مرحله شایعه و شائبه باقی ماند. در دوره شهرداری علیرضا زاکانی که انتخابات مجلس دوازدهم را پیش‌رو دارد، دوباره شائبه استفاده از امکانات شهرداری مطرح شد اما این بار زاکانی کاندیدای انتخابات نبود بلکه در برخی از جلسات سیاسی به سخنرانی می‌پردازد. عبدالملطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری درباره فعالیت‌های انتخاباتی شهرداری تهران در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه شهری هم‌میهن چنین توضیح می‌دهد: «شهرداری در انتخابات بیشتر از یک راه ندارد، اینکه با تمام قوا پای کار باشد برای آنکه مشارکت حداکثری رقم بخورد. پرشور شدن فضای انتخابات و ترغیب مردم جهت حضور پای صندوق‌های رای یک وظیفه قانونی، شرعی و ملی است. این مطالبه جدی رهبری است که شهرداری در مسیر آن قدم برمی‌دارد.» او به تفکیک خطوط در شهرداری هم اشاره کرده و می‌گوید که خط قرمز فعالیت سیاسی مدیران با استفاده از ظرفیت‌های شهرداری است: «هرجا این موضوع اتفاق بیفتد با آن برخورد جدی می‌شود. اگر در دوره یا ادواری این موضوع رخ داده در این دوره خط قرمز پررنگ است که از امکانات، بودجه بیت‌المال و زیرساخت‌های شهرداری برای یک گروه سیاسی استفاده شود. تعبیر زاکانی این است که این موضوع را تحمل نمی‌کند و آن مدیران طرف یک‌ساعت عزل خواهد کرد.» محمدخانی درباره حضور و سخنرانی زاکانی در جلسات نیز تأکید می‌کند که «باید بین شخصیت حقیقی و حقوقی افراد و خط قرمز استفاده از امکانات دولتی و مردمی تفکیک قابل شد. زاکانی یک شخصیت سیاسی و چهره ملی است و دائم در معرض دعوت به مراسم مختلف است تا تحلیل‌های سیاسی خود را بیان کند. اگر او در این مراسم و همایش‌ها شرکت می‌کند درباره موضوعات ملی، آینده مجلس انقلابی، مسائل اساسی کشور و... سخنرانی کرده و محور صحبت‌های مشارکت حداکثری است.»



### تکذیب انشقاق در جبهه اصلاحات

چندی پیش، ایرنا خبرگزاری دولت، مصاحبه‌ای را با محمدعلی وکیلی، نماینده سابق مجلس و فعال سیاسی اصلاح طلب منتشر کرد که در بخشی از این مصاحبه، وکیلی مدعی شده بود که سه حزب «کارگزاران سازندگی، اعتماد ملی و ندای ایرانیان» به علت راهبرد انتخاباتی که از سوی جبهه اصلاحات در نظر گرفته شده، از این جبهه جدا شده‌اند. پس از انتشار این مصاحبه و اعلام جدایی این سه حزب، حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با فارس گفت: «حزب کارگزاران سازندگی ایران به‌طور قطعی و تا آنجایی که من مطلع هستم، احزاب ندای ایرانیان و اعتماد ملی همچنان عضو جبهه اصلاحات ایران هستند و به‌هیچ‌وجه ائتلاف جدیدی بین این سه حزب اصلاح طلب و این سه حزب با حزب اعتدال و توسعه و ستاد تبلیغاتی «صدای ملت» برای معرفی کاندیداهای سراسر کشور صورت نگرفته است.» سعید نورمحمدی، سخنگوی حزب ندای ایرانیان نیز این موضوع را تکذیب کرد و به خبرنگاری ایرنا گفت: «اگر نقدی به رویکردهای جبهه اصلاحات داریم، باید تلاش کنیم از درون آن اصلاح کنیم. نمی‌شود که به اصلاح قدرت سیاسی باور داشته باشیم ولی درون جریان خودمان به دنبال اصلاح نباشیم. حزب ندای ایرانیان با وجود انتقادات جدی که به جبهه اصلاحات دارد همچنان عضو این جبهه سیاسی است و بنای جدا شدن از آن را ندارد.» محمدصادق جوادی حصار، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی هم در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین درباره این خبر گفت: «یا خبرگزاری ایرنا برداشت اشتباه از صحبت‌های ایشان کرده است یا خود آقای وکیلی از اخبار موجود برداشت اشتباه کرده‌اند. حزب اعتمادملی همچنان عضو جبهه اصلاحات است.»